



جنگ و سیاست بایسته‌ی تهران در برابر یکن

سرمقاله



البته اینکه راهبرد سوم به جای راهبرد نخست اتخاذ شود، بیش از هر چیز به نوع سیاست‌هایی باز می‌گردد که تهران اتخاذ می‌کند، ایجاد امکان عبور ساده کشتی‌ها به مقصد چین یعنی پذیرش رویکرد نخست اشتباهی بزرگ است که به نظر می‌رسد بیش از آنکه بر واقعیت میدان و منافع ملی استوار باشد بر نوعی مصلحت‌سنجی غیر معقول استوار است که ما را از این برگ مهم در جنگ محروم می‌سازد. توصیه این نوشتار به مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران آن است که از نیازمندی چین به منابع انرژی خلیج فارس استفاده کنند و با اهرم فشار تنگه، چین را واردار کنند نقشی فعال علیه ایالات متحده ایفا کند و هر گونه ملاحظه و مصلحت‌سنجی را در این جنگ به واقع وجودی کنار بگذارند و اجازه عبور به محموله‌هایی که به مقصد چین می‌رود را به صورت پلکانی کاهش دهند، و این پیام قدرت را روشن و واضح به پکن برسانند که اگر می‌خواهد همچنان از منابع انرژی منطقه استفاده کند باید از ابزارهایی که در اختیار دارد بر ایالات متحده فشار آورد، در غیر این صورت ایران هیچ تضمینی برای عبور محموله‌های انرژی به مقصد پکن ندارد و دیر نیست روزی که تنگه بسته شود و آتش این جنگ غیرقانونی ایالات متحده دامن آنها را بیش از پیش بگیرد. ♦

اساسی دارد، نخست آنکه از حیث منطقی استراتژی مذکور تنها زمانی ممکن است که جمهوری اسلامی ایران راهبرد مدیریت تنگه و نه مسدودی کامل تنگه به وسیله مین‌ریزی و مانند آن را ادامه دهد که با توجه به مسیر درگیری‌ها و پیش‌بینی‌های موجود که دلالت بر جنگ رادیکال رژیم و ایالات متحده دارد تداوم این راهبرد بعید به نظر می‌رسد، و مسدودی تنگه احتمال بالایی خواهد داشت، ایراد دیگر آن است که با عنایت به حجم صادرات انرژی کشورهای خلیج فارس به چین که عمده صادرات مذکور را شامل می‌شود، امکان عبور محموله‌هایی که به مقصد چین می‌روند عملاً امکان تنفس به کشورهای خلیج که اکنون محمل حملات ایالات متحده است می‌دهد و در واقع راهبرد کنترل و نظارت بر تنگه را خنثی کرده و نوعی نقض غرض است، از سوی دیگر جریان صادرات انرژی به چین عملاً ایجاد اهرم بحران در اقتصاد جهانی را تا حد زیادی از ایران سلب می‌کند و در واقع تسلط بر تنگه به عنوان برگ برنده‌ی ایران را خنثی می‌سازد.

بر این اساس در واقع این راهبرد نمی‌تواند پاسخگو باشد؛ چرا که روشن است دولت جمهوری اسلامی ایران راهبرد نظارت و کنترل بر تنگه را به عنوان راهبرد موقت به کار برده و راهبرد اصلی بستن تنگه است که بر مبنای سیاست پلکانی و با توجه به نوع رفتار دشمن به کار گرفته می‌شود.

راهبرد دوم ایجاد فشار بر ایران برای جلوگیری از بستن تنگه و عادی سازی ترانزیت است، که این راهبرد نیز قابل اتخاذ نیست، چرا که ایران در یک جنگ وجودی هرگز مهم‌ترین راهبرد و برگ برنده خویش را فدای منافع دولتی که در بهترین حالت یک متحد تاکتیکی و نه استراتژیک است فدا نمی‌کند، و به هیچ صورت چنین چیزی امکان ندارد چه آنکه چینی‌ها خوب می‌دانند، عدم اتخاذ سیاست جنگی صحیح در موضوع کنترل بر تنگه، احتمال پیروزی محور رژیم-ایالات متحده را بسیار بالا می‌برد و کنترل ایالات متحده بر یکی از مهم‌ترین منابع و مهم‌ترین گلوگاه انرژی جهان در جدال اقتصادی چین و ایالات متحده شکستی غیرقابل جبران برای طرف چینی خواهد بود.

راهبرد سوم مداخله و فشار چین بر محور رژیم-ایالات متحده در سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی و... است؛ این راهبرد گرچه راهبردی است که چینی‌ها از آن اجتناب می‌کنند چرا که تجربه ثابت کرده است چین از اصطکاک و رویارویی با ایالات متحده گریزان است، و گرچه راهبردی است که هزینه‌ی زیادی خواهد داشت، اما با توجه به عدم امکان دوراهبرد پیشین تنها راهبرد و نقطه ناگزیر است، تنش امروز منطقه چین را مجبور می‌سازد که در شطرنج قدرت از محافظه‌کاری خارج شود؛ به عبارت دیگر چین اگر می‌خواهد همچنان از منابع انرژی خلیج فارس استفاده کند و نقش مهم خویش در اقتصاد جهانی را حفظ کند باید در تنش منطقه علیه ایالات متحده نقشی فعال ایفا کند، این پیام قاطع و واضح تهران به پکن است.

♦ | چین اگر چه به ظاهر طرف جنگ نیست اما جنگ امروز بخشی از سیاست کلی ایالات متحده برای مهار چین است چرا که واضح است که تسلط به یکی از مهم‌ترین منابع انرژی جهان و مهم‌ترین گلوگاه انرژی دنیا ابزار قدرتمندی در دستان ایالات متحده برای کنترل پکن خواهد بود زیرا اقتصاد و صنعت چین بیش از هر کشوری نیازمند منابع انرژی و امنیت ترانزیت خلیج فارس است، این امر وی را بیش از هر دولت فرامنطقه‌ای دیگری در تنش‌های این منطقه ذی نفع می‌گرداند در چنین وضعیتی دولت چین باید بازتعریف روشنی از نقش خویش در درگیری‌های موجود داشته باشد؛ نوع موضع‌گیری و رفتار چین از طرف دیگر به دلیل نقش بی‌بدیل وی در اقتصاد جهانی و قدرت سیاسی و نظامی او بر نحوه‌ی موضع‌گیری وی در تعیین معادلات منطقه می‌تواند اثرگذاری مهمی داشته باشد، از این رونقشی که چین در تنش‌های منطقه برای خود تعریف می‌کند در سرنوشت وقایع موجود اهمیت بسزایی دارد.

به صورت کلی سه راهبرد در این موضوع توسط طرف چینی قابل اتخاذ است؛ نخست آنکه بر مشی محافظه‌کاری حرکت کند و با ایران که اکنون کنترل ترانزیت انرژی را به دست گرفته است برای عبور محموله‌هایی که به مقصد چین حرکت می‌کند به توافق برسد؛ این راهبرد چند ایراد

خبرخوان

● از افزایش ۵۰ درصدی قیمت اوره تا چشم انداز نفت ۱۵۰ دلاری

در هفتمین روز از درگیری‌های نظامی در منطقه، بازار جهانی انرژی با مجموعه‌ای از تحولات مهم از جمله افزایش قیمت‌ها، اختلال در کشتیرانی خلیج فارس و فشار بر زیرساخت‌های انرژی روبه‌رو شده است. در این میان قیمت اوره در فوب خلیج فارس حدود ۵۰ درصد افزایش یافته و همزمان بهای نفت در بازارهای جهانی به آستانه ۹۰ دلار رسیده است؛ سطحی که برخی تحلیلگران معتقدند در صورت تداوم تنش‌ها می‌تواند تا محدوده ۱۵۰ دلار نیز افزایش یابد.

● پاتریشیا مارینز (Patricia Marins)، در حساب خود در شبکه ایکس نوشت:

دشمن واقعی ائتلاف آمریکا-اسرائیل امروز، ایران نیست، بلکه اقتصاد جهانی و فشار سیاسی، چه داخلی و چه از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس است. در این نوع جنگ‌ها این ظرفیت تخریب نیست که قواعد را تعیین می‌کند، بلکه ظرفیت‌های نامتقارن میدان نبرد است که به ایران برتری می‌بخشد.

● فشار تنگه هرمز به آمریکا سبب شد تا دولت ترامپ برنامه بیمه انتكایی ۲۰ میلیارد دلاری برای نفتکش‌ها و سایر کشتی‌هایی که از تنگه هرمز عبور می‌کنند را اعلام کند. این رقم بیمه معادل ارزش نفتی است که تنها یک روز از تنگه هرمز عبور می‌کند.

● مرکز مشترک اطلاعات دریایی اعلام کرد که طی ۲۴ ساعت گذشته، تنها دو کشتی تجاری از تنگه هرمز عبور کرده‌اند و حتی یک نفتکش هم عبور نکرده است.

● استاد دانشگاه نیویورک: همزمان با افزایش شدید قیمت نفت در پی اختلال در تنگه هرمز، تنها راه پیش‌روی آمریکا برداشت از ذخایر

استراتژیک نفت است. تحلیلگران انرژی این ذخایر را ناکافی دانسته و می‌گویند، این اقدام قماری است که نفت را به بالای ۲۰۰ دلار می‌رساند.

● مارین ترافیک: شب گذشته یک نفتکش حامل LPG که در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارد از تنگه هرمز عبور کرد. ایران در حال مدیریت هوشمند تنگه هرمز است و تنها کشتی‌های مرتبط با تهران اجازه عبور از مهم‌ترین آبراه جهان را دارند.

● وزیر انرژی قطر: «قطر پیش‌بینی می‌کند که ظرف چند هفته آینده، تمام تولیدکنندگان انرژی در خلیج فارس صادرات خود را متوقف کنند و این مسئله قیمت نفت را به ۱۵۰ دلار در هر بشکه برساند.»

● سخنگوی وزارت خارجه چین اعلام کرد که پکن از حاکمیت، امنیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کند و خواستار پایان تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران شد.

● کویت تولید نفت خود را کم کرد

کویت پس از پر شدن مخازن ذخیره‌سازی داخلی، به دلیل اختلال در صادرات نفت از طریق تنگه هرمز، شروع به کاهش تولید نفت در برخی از میادین کرده است. این کشور ممکن است به زودی تولید را فقط به سطوح مورد نیاز برای مصرف داخلی کاهش دهد؛ زیرا امکان صادرات نفت خام وجود ندارد.

● سخنگوی سپاه پاسداران: ایران از اسکورت نفتکش‌ها و ادعای حضور نیروهای آمریکا برای عبور از تنگه هرمز بشدت استقبال می‌کند. توصیه می‌کنیم، قبل از هر تصمیم، آمریکایی‌ها آتش گرفتن سوپر تانکر آمریکایی بریجتون در سال ۱۳۶۶ و نفت کش‌هایی که اخیراً هدف قرار گرفتند را بیاد آورند.

پرسش و پاسخ

کاهش شدید عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز چه پیامدهایی برای تولیدکنندگان نفت منطقه و بازار جهانی انرژی خواهد داشت؟

کاهش چشمگیر عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز می‌تواند تأثیرات فوری و زنجیره‌ای بر بازار جهانی انرژی و اقتصاد کشورهای تولیدکننده داشته باشد. این تنگه یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال نفت جهان است و اختلال در آن باعث محدود شدن صادرات نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌شود. در چنین شرایطی، نفتی که امکان صادرات ندارد در مخازن ذخیره انباشته می‌شود و اگر این مخازن به سرعت پر شوند، تولیدکنندگان ناچار خواهند شد تولید خود را کاهش دهند یا حتی موقتاً متوقف کنند. توقف تولید در بسیاری از میادین نفتی فرآیندی پیچیده است و راه‌اندازی مجدد آن‌ها زمان‌بر و پرهزینه خواهد بود. از سوی دیگر، کاهش عرضه نفت در بازار جهانی معمولاً موجب افزایش قیمت انرژی می‌شود که می‌تواند فشار تورمی بر اقتصادهای بزرگ وارد کند. همچنین تمرکز حجم بالای نفت در مخازن ذخیره ممکن است زیرساخت‌های انرژی را به اهداف حساس تبدیل کند و بر نگرانی‌های امنیتی منطقه بیفزاید. مجموع این عوامل می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر در بازار انرژی و اقتصاد جهانی منجر شود.